

اصابت یارانه‌ای

به قلم دکتر بیژن بیدآباد، اقتصاددان و استاد دانشگاه



لحاظ اقتصادی حذف یارانه‌ها بسیار باصرفه‌تر از وضع و پرداخت آنها می‌باشد. اما از بعد انسانی و اجتماعی، افراد آسیب‌پذیر باید به نحوی مورد حمایت قرار گیرند که پرداخت یارانه به شکل هدفمند می‌تواند به این مسأله کمک کند، که البته کار سختی است. به همین دلیل است که اکثر یارانه‌های پرداختی ناکارا هستند.

دلیل اصلی ناکارایی یارانه‌ها این است که اصابت یارانه‌ای "بسیار کم می‌باشد. اصابت یارانه‌ای بدان معنی است که سیاست‌گذار و قانون‌گذار در ارایه یارانه به گروه‌های خاص، موفق عمل نمایند. البته شناسایی دهک‌های پایین جامعه بسیار سخت است و به همین دلیل، دولت مجبور به پرداخت یارانه‌های عمومی می‌شود و لذا همیشه گروه‌هایی از جامعه هستند که ناخواسته از یارانه‌ها بهره‌مند می‌شوند و حتی گاه بهره‌مندی آنان بسیار بیشتر از گروه‌های هدف می‌باشد. این مسأله در خصوص پرداخت مالیات نیز صادق بوده و مطالعات نشان داده است که افراد پردرآمدتر، مالیات‌های کمتری هم می‌پردازند.

از این منظر، هدفمندسازی یارانه‌ها به معنای اصابت صحیح یارانه‌ای است؛ و حال آن که اصابت یارانه‌ای در یارانه‌های عمومی بسیار پایین است. به همین دلیل، یارانه‌های پنهان و غیرپنهان به تدریج در اکثر کشورها در حال حذف هستند. در این کشورها پرداخت یارانه‌های عمومی کاهش یافته و قیمت‌ها آزاد شده و به قیمت‌های جهانی نزدیک شده‌اند. حتی سایر موارد محدودکننده مکانیزم بازار همچون تعیین دستوری نرخ ارز و نرخ بهره نیز در این کشورها حذف شده‌اند. این مسأله سبب شده تا مکانیزم بازار به سمت تخصیص بهینه منابع تغییر نماید، زیرا قیمت‌ها، سیگنال‌هایی هستند که به بهترین فرم تخصیص منابع می‌انجامد و بر عکس، یارانه‌ها تخصیص بهینه را برهم می‌زنند.

چتر حمایتی

البته باید توجه داشت که آزادسازی قیمت‌ها تا اندازه‌ای تشنج‌زا هستند، زیرا با اجرای چنین سیاستی، درآمدهای حقیقی گروه‌های مختلف تغییر کرده و گروه‌های کم‌درآمد آسیب بیشتری را متحمل می‌شوند. به همین دلیل و برای حل این چالش، سازمان‌های بین‌المللی همواره Safety Net یا چترهای حمایتی را به عنوان جایگزینی برای سیاست‌های پرداخت یارانه‌های عمومی پیشنهاد می‌کنند که به عنوان نوعی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، معمولاً تا پایان دوره گذار ادامه دارند.

یارانه به افراد دیگری می‌پردازد و بدین ترتیب، دولت به نوعی تخصیص مجدد منابع می‌نماید. زمانی که بخش تولید مورد اهمیت قرار نمی‌گیرد، می‌توان انتظار داشت که در آینده با عدم جلب سرمایه و سرمایه‌گذاری مواجه شده و نهایتاً بخش عرضه ضعیف شده و امکان تحقق رشد اقتصادی با مشکل مواجه شود. به موازات، چنانچه سود تولیدکنندگان به دلیل تخصیص مجدد منابع از طریق که ذکر شد کاهش یابد، دقیقاً این کاهش درآمد به صاحبان عوامل تولید که همان مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات هستند، منتقل می‌شود و این زیان را مصرف‌کنندگان هم متحمل خواهند شد.

پرداخت یارانه به تولیدکنندگان نیز اثرات مشابهی دارد، زیرا این پرداخت به معنی کاهش هزینه تولیدکنندگان به صورت تصنعی می‌باشد که از یک سو موجب می‌شود تا برخی از کالاها و خدمات که از لحاظ اقتصادی به صرفه نمی‌باشند قابل رقابت شوند و از سوی دیگر، سبب کاهش قیمت آن کالاها و خدمات می‌شود که خود اثر دیگری بر کاهش عمومی درآمد صاحبان عوامل تولید خواهد داشت، به طوری که در نهایت اثر منفی آن به سمت مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات باز خواهد گشت. از سوی دیگر، وقتی قیمت‌های نسبی توسط یارانه‌ها به هم می‌خورد، منابع اقتصادی با رعایت قیمت نسبی بین کالاها شروع به حرکت می‌نمایند. برای مثال، زمانی که قیمت نان پایین می‌آید، سودآوری در تولید نان و به دنبال آن سرمایه‌گذاری در این بخش کاهش می‌یابد. به عنوان مثالی دیگر، یارانه بنزین به شکل فروش این کالا باقیمت پایین، منجر به کاهش قیمت نسبی بنزین نسبت به سایر کالاها شده و به دنبال آن، تقاضا و مصرف بنزین افزایش می‌یابد، حال آن که عرضه در این بخش به دلیل پایین آمدن سودآوری تولید آن، کاهش یافته است، هر چند در ایران و در شرایط عدم امکان تولید بنزین داخلی، این مسأله صادق نیست.

پرداخت برخی از یارانه‌های ضمنی همچون مداخله در نرخ ارز نیز منجر به عدم تعادل در کل اقتصاد می‌شود. برای مثال، زمانی که نرخ ارز بالا باشد، بخش‌های مختلف اقتصادی به صادرات بیش از واردات روی می‌آوریم. در این حالت، از بخش واردات یارانه گرفته شده و به بخش صادرات پرداخت می‌شود و بر عکس. این مسأله در نهایت به اختلال در تراز پرداخت‌ها منجر می‌شود. به طور کلی، هر نوع یارانه‌ای با ایجاد عدم تعادل و اختلال در مکانیزم بازار، به ناکارایی اقتصادی منجر می‌شود.

تخصیص بهینه منابع

بنا بر آنچه گفته شد، یارانه‌های عمومی چه تولیدی و چه مصرفی به دلیل تخصیص مجدد منابع، هم به تولید و هم به مصرف زیان می‌رسانند، لذا از

در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان، دولت‌ها برای حمایت از گروه‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مزایایی قایل می‌شوند تا آن گروه‌ها با توسل به این مزایا بتوانند موجبات رشد و توسعه خود را فراهم آورند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

عمده یارانه‌ها در ایران در قالب یارانه انرژی، یارانه کالاهای اساسی و برخی یارانه‌ها در زمینه مواد واسطه‌ای نظیر کود شیمیایی و بذر طبقه‌بندی می‌شوند. البته این طبقه‌بندی جزء بسیار کمی از یارانه‌های پرداختی در کشور را دربرمی‌گیرد، زیرا برخی از یارانه‌های پنهان همچون پایین نگه داشتن نرخ ارز یا به عبارت اقتصادی آن، بیش از ارزش بودن پول ملی (Overvaluation)، به مثابه یارانه عظیمی است که از طریق بخش تجارت خارجی و ارزی کشور به آحاد مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان تعلق می‌گیرد. همچنین تخصیص ارز به نرخ‌هایی پایین‌تر از نرخ بازار به بخش‌های دولتی و غیردولتی، یارانه بسیار عظیمی را تشکیل می‌دهد که غالباً احتساب نشده و برآوردی هم در این زمینه ارایه نمی‌شود. به طور کلی، در شرایطی که اقتصاد یک کشور از قیمت‌گذاری دولتی برخوردار باشد و مکانیزم عرضه و تقاضا در تعیین قیمت کالاها و خدمات نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته باشد و انواع و اقسام قیمت‌گذاری‌های دولتی و قیمت‌های سایه‌ای و نرخ‌های ترجیحی و برنامه‌ای در آن گسترش یافته باشد، حجم یارانه‌های پنهان به شدت زیاد خواهد بود که حتی نمی‌توان میزان دقیق آن را برآورد نمود. دلیل چنین مشکلی این است که قیمت مبنایی کالاها و خدمات در شرایطی که اقتصاد می‌توانست بنا بر مکانیزم رقابت آزاد و قیمت‌گذاری آزاد عمل نماید، مجهول مانده است. قیمت‌گذاری کالاها و خدمات، مبارزه با گرانی، نرخ‌های ارز غیرواقعی و نرخ‌های سود بانکی مصوب که همگی با توجه به ملاحظات مختلف تعیین می‌شوند، از مصادیق این موضوع و حجم عظیم یارانه پرداختی به آنها می‌باشند.

یارانه‌ها به طور کلی تخصیص مجدد منابع را موجب می‌شوند. بر اساس اصل پارتو و نظریه "بهترین دومین"، در اقتصاد نمی‌توان تخصیص منابعی بهتر از شرایط رقابت کامل به دست آورد. با پرداخت یارانه به کالاها، عمل تخصیص مجدد منابع اتفاق افتاده و محققاً کارایی اقتصاد در شرایط نازل‌تری از لحاظ رشد، اشتغال، درآمد و سایر متغیرهای کلان قرار می‌گیرد. در این رابطه، پرداخت یارانه به مصرف‌کننده کالاها به معنی حمایت از خریداران کالاها و مصرف تلقی می‌شود و این به معنی زیان رساندن به تولیدکنندگان است. برای مثال، پایین نگه داشتن قیمت میوه و تره‌بار بدان معنی است که دولت پولی را از روستاییان دریافت و به شکل یارانه به مردم شهری پرداخت نماید. در این حالت، دولت به صورت ضمنی از تولیدکنندگان مالیات گرفته و این مالیات‌ها را باز هم به صورت ضمنی و به شکل